

رئیس انجمن علوم سیاسی ایران:

اصلاح طلبان توانایی جریان سازی بین طرفداران خود را ندارند

رئیس انجمن علوم سیاسی ایران گفت: اصلاح طلبی دچار تخلیه تئوریک شده است و نمی‌توانند در میان طرفداران خود به ویژه بخش خاکستری اجتماعی جریان سازی کنند.

به گزارش خبرنگار گروه دانشگاه ایسکانیوز، کیومرث اشتریان، رئیس انجمن علوم سیاسی ایران امروز پنجشنبه ۲۱ آذرماه ۹۸ در حاشیه همایش علم سیاست، ایران امروز و گذارهای پیش رو که در محل خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار شد، گفت: به رسم فراخوان برای علوم سیاسی در ایران یک مسئله در خصوص ساختار قدرت رسمی و نیمه رسمی بیان می‌شود تا شاید مورد عنایت جامعه علوم سیاسی واقع شود.

وی افزود: مطالعه نهادهای سیاسی در ایران و گره‌گشایی و بحث و گفتگو برای ساختار مبارزه قدرت یکی از وظایف علوم سیاسی ایرانی است. معضل ساختاری در معماری فعالیت معطوف به قدرت در ایران این است که مبارزه سیاسی از بستر مدنی و تاریخی خود جدا شده و زمینه را برای هرج و مرج و آشوب‌های سیاسی فراهم کرده است. به بیان روشن، اصولگرایان، اصلاح طلبان، روحانیت، بازار و دانشگاه خاصیت جریان سازی تاریخی خود را به تدریج از دست داده‌اند.

رئیس انجمن علوم سیاسی ایران بیان کرد: در یک جامعه سیاسی، مبارزه و فعالیت برای دستیابی به ریاست و قدرت در صورتی به ثبات سیاسی می‌انجامد که به زمینه اجتماعی و مردمی متصل باشد تا بتواند نبرد منافع گروه‌های اجتماعی را ساماندهی کند و شفافیت ببخشد. دیر زمانی است که این مبارزه سیاسی از بستر نهادهای فوق‌الذکر بر نمی‌خیزد و اگر هم کرسی دولت و مجلس به دست آید کارکرد جدی ندارد. پیامد این است که مجلس و دولت بر بستر قدرت واقعی اجتماعی استوار نیستند؛ این موضوعی حیاتی برای علوم سیاسی ایرانی است.

اشتریان اضافه کرد: این جریان‌ها که از بستر تاریخ سیاسی ایران بر آمده‌اند آیا برای امنیت ملی مفید و ضروری‌اند؟ اگر چنین است آیا معماران نظام سیاسی ایران بایستی به احیا و بازآفرینی آنها همت گمارند. آیا بایده زمینه را برای یک جریان سیاسی جدید برای نمایندگی لایه پایین اجتماعی فراهم آورند تا اینان نقش‌ها و مسئولیت‌های مبارزه قدرت را بردوش کشند؟ در غیاب کارکردهای اصیل این ساختار، راه برای دیگر نیروها برای بازیگری در عرصه قدرت از جمله نیروهای امنیتی و نظامی، نیروهای خارجی، نیروهای واگرایانه نظام سیاسی، نیروهای تجزیه طلب و غیره فراهم می‌شود.

وی اشاره کرد: در سال‌های پیش رو، پژوهشگران علوم سیاسی از سویی و معماران نظام جمهوری اسلامی از سوی دیگر در برابر انتخاب سیاستی دشواری برای معماری کلان نظام سیاسی قرار دارند و نیازمند تئوریزه کردن معماری کلان قدرت هستند.

رئیس انجمن علوم سیاسی ایران با برشماری گزینه‌های پیش رو عنوان کرد: بازگشت به جریان‌های سیاسی اصولگرا، اصلاح طلب، بازار، دانشگاه و روحانیت برای هدایت مبارزات سیاسی از سویی و فراهم آوردن زمینه برای نیروهای جدیدی که از شکاف‌های اقتصادی سربرآورده‌اند؛ مثلاً یک نیروی چپ مذهبی جدید.

اشتریان درباره گزینه دوم پیش رو اذعان کرد: واقعی کردن ساختارهای تقنینی، قضایی و اجرایی و حذف ساختارهای موازی نهادی و پرهیز از سومصرف نهادی () حذف نهادهایی چون شورای عالی انقلاب فرهنگی، فضای مجازی و محدودسازی مجمع تشخیص مصلحت نظام و بازداشتن آن از قانونگذاری.

وی درباره گزینه دیگر توضیح داد: در غیاب این گزینه‌ها، اما، گزینه دیگری پیش است، قرائت جدیدی از امت و امامت مبتنی بر نیروهای نظامی-امنیتی و عدول از واسطه‌گری قدرت توسط جامعه مدنی به ویژه با توجه به افزایش تهدیدات نظامی خارجی تئوریزه و اجرایی شود. تخلیه

تئوریک اصلاح طلبی، ناتوانی اصلاح طلبان از جریان‌سازی

استاد سیاست‌گذاری دانشگاه تهران با اشاره به مهمترین وجوه معضل ساختاری مبارزه قدرت نیمه‌رسمی، تشریح کرد: اصلاح‌طلبی دچار تخلیه تئوریک شده است و نمی‌تواند در میان طرفداران خود به ویژه بخش خاکستری اجتماعی جریان‌سازی کنند. آنان هم از لحاظ نظری و هم از لحاظ محدودیت‌های قضایی دچار ریزش شده‌اند؛ اصرار هسته‌های سخت اصولگرایی بر قرائت‌های محدود کننده‌تر از آزادی و از ولایت فقیه سهمی ویژه در ریزش بخش خاکستری اصلاح طلبان شد چرا که اصلاح ناپذیری جمهوری اسلامی را در نظر آنان تقویت می‌کرد.

نازایی اصولگرایی سنتی، ناتوانی اصولگرایی سنتی از جریان‌سازی

اشتریان در بخش دیگری از بحث خود تصریح کرد: اصولگرایان سنتی، امروزه تقریباً به فراموشی سپرده شده‌اند. اصولگرایان جدیدی از پس ۸ سال اختلال هویتی ناشی از دوران دولت‌های نهم و دهم در قالب‌هایی چون عدالتخواهی جدید، مبارزه با فساد و انقلابی‌گری سربرآوردند. هرچند که اینان نیز هنوز نتوانسته‌اند برای خود آزادی فکری-تئوریک تحصیل کنند و در نتیجه برای جامعه جوان و خاکستری تئوری قابل قبولی پیشنهاد کنند تا جریان‌سازی اجتماعی گسترده‌ای داشته باشند.

روحانیت فارغ از پوسته

رئیس انجمن علوم سیاسی ایران در ادامه بحث خود مطرح کرد: روحانیت در تاریخ سیاسی ایران جریان‌ساز بوده است. این قدرت پس از انقلاب در پارادکس قدرت رسمی گرفتار شد و در خدمت نظام‌سازی و حفظ آن قرار گرفت؛ طبیعی هم می‌نماید. اما همین پارادکس، در نهایت، روحانیت و نماد اصلی جریان‌سازی آن یعنی نمازهای جمعه را به پوسته‌ای از تشریفات اداری-مذهبی تقلیل داد و روح اجتماعی از آن برگرفته شد. مبدا فکری روحانیت رسمی، نه جوششی از زمینه فکری خود، بلکه از درون بولتن‌های دستگاه‌های گوناگون هدایت می‌شود. در نتیجه روحانیت دیگر جریان‌ساز نیست.

ناتوانی دانشگاه از جریان‌سازی

وی ادامه داد: دانشگاه و دانشجو فاقد تئوری اجتماعی روشنی هستند که آنان را از تخصص‌گرایی به مرحله مسئولیت روشنفکری اجتماعی بکشاند. از این‌رو، زندگی سیاسی برای دانشگاه معنای محصلی ندارد و جریان‌سازی اجتماعی نیز برای آنان سالبه به انتفای موضوع است.

اشتریان پیرامون ناتوانی بازار از جریان‌سازی تاکید کرد: بازار از لحاظ ماهوی دچار دگردیسی اجتماعی شده است و از دو سو توسط جوانان به محاصره درآمده است. از سویی رونق نسبی فناوری‌های نو طبقه جدیدی از بازار مدرن را تشکیل داده است و بازار سنتی به بخش کوچکی از جریان اقتصادی جامعه ایرانی تبدیل شده است. بازار سنتی و گرایش‌های سیاسی آن عملاً دچار اضمحلال شده است؛ بازار، توان جریان‌سازی اجتماعی، به‌ویژه از نوع سنتی آن را ندارد.

آلترناتیو بی‌جریانی

رئیس انجمن علوم سیاسی ایران در ادامه سخنان خود گفت: در غیاب جریان سازهای سیاسی، نظامیان در حوزه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی و رسانه‌ای فعال هستند. آنان در حوزه اجتماعی در محیط پیرامونی پر تحرکند و با رونق دهی به کسب و کارهای خرد در محیط‌های دورافتاده سرزمینی پیوندهایی با جوامع محلی ایجاد کرده‌اند که برای آنان دست بالایی را در انتخابات‌ها به‌وجود آورده است. اما همه اینها به قالب تشکیلات اجتماعی در نمی‌آید. فعالیت‌های یک نهاد نظامی در سطح خرد فعالیت‌های اشتغال‌زایی، خدمات اجتماعی، تامین مالی خرد و ... را شامل می‌شود اما این فعالیت‌ها ماهیتی اجتماعی دارند و نمی‌توانند هویت سیاسی پایدار برای گروه‌های اجتماعی پدید آورند.

وی ادامه داد: جریان اجتماعی فراتر از این است. لازمه یک جریان اجتماعی شکل‌گیری یا وجود هویت طبقاتی، نه ضرورتاً به مفهوم مارکسیستی آن و هویت سیاسی است که از گروه‌های مردمی یک بدنه اجتماعی ایجاد کند. این بدنه اجتماعی باید واجد یک هویت تاریخی باشد تا بتواند جریان پایدار سیاسی فراهم کند. در حالیکه جمعیت هدف فعالیت‌های اجتماعی ایجاد شده جمعیتی توده‌ای و غیرمتشکل است و پراکنده است.

اشتریان در پایان اظهار کرد: بنابراین علوم سیاسی در برابر این پرسش تاریخی است که چگونه افول قدرت‌های اجتماعی جریان‌ساز و خلا جریان‌سازی اجتماعی-سیاسی را توضیح دهد و در رویکردی هنجاری-کاربردی راهکارهای پیشنهادی‌اش برای این خلأ قدرت چیست؟

انتهای پیام/